

نقد قرآنیان شیعه در به کارگیری روش تفسیری قرآن به سنت

A criticism by the Shia Quranic scholars in applying the Quranic interpretation method to the prophet's tradition

Seid Reza Moaddab*

Jafar Nekoonam**

Ali Tasdighi Shahrezaee***

سید رضا مؤدب*

جعفر نکونام**

علی تصدیقی شاهرزائی***

Abstract:

The Quranic scholars is the name of a thinking movement which was formed by relying on the Islamic Community Unity and the motto of return to the Quran, in the second half of the 13th A.D. influenced by the reformist thoughts of Seid Jamal Asadabadi and Sheik Hadi Najm Abadi and by one of his students named Seid Asadullah Khraghani. This movement was continued by some others as Shariat Sanglaji, Yousef Shoar, Borghaee, Ghalamdaran and Husseini Tabatabaee. This group considered the Quran in the beliefs section as sufficient and having without the need to tradition and they also considered tradition as valid in only the rules section and the Quranic succinct expressions as explaining the verses. For accepting the Narratives (words by the Imams) such criteria as: its agreement with the Quran and the absolute wisdom, and frequency, and consensus among others over it are cited. However, it is specified with reference to their interpretative takeaways, that these criteria were not also respected by them and some of them had utilized some Narratives in interpreting the Quranic verses based on tradition which neither met the Quran and wisdom nor they ever enjoyed consensus and frequency. In this research, attempts have been made the inaccuracy of their perspectives to be elucidated.

Keywords: Shia Quranic scholars, Interpretative method, Quran and Tradition

چکیده:

قرآنیان نام جریانی فکری است که با تکیه بر وحدت امت اسلامی و شعار بازگشت به قرآن، در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری، تحت تأثیر اندیشه‌های اصلاحی سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ هادی نجم‌آبادی، توسط یکی از شاگردان ایشان به نام سید اسدالله خرقانی شکل گرفت و به وسیله دیگرانی همچون شریعت سنگلجی، یوسف شعار، برقعی، قلمداران و حسینی طباطبایی ادامه یافت. این گروه که قرآن را در بخش اعتقادات، کافی و بی‌نیاز از سنت می‌دانند و سنت را تنها در بخش احکام و مجملات قرآن به‌عنوان مبین آیات، معتبر می‌شمارند، برای پذیرش روایات، ملاک‌هایی همچون: موافقت آن با قرآن و عقل قطعی و متواتر بودن و مورد اتفاق بودن روایت را مطرح می‌کنند. اما با مراجعه به برداشت‌های تفسیری آنان مشخص می‌شود که این ملاک‌ها گاهی از سوی خود ایشان هم رعایت نشده و برخی از آنها در تفسیر آیات قرآن به سنت از روایاتی بهره گرفته‌اند که نه با قرآن و عقل سازگار است و نه از وصف مورد اتفاق و قطعی و متواتر بودن برخوردار است. در این پژوهش، کوشش شده نادرستی دیدگاه و روش آنها بیان شود.

کلیدواژه‌ها: قرآنیان شیعه، روش تفسیری، قرآن و سنت.

* Professor at the Quranic Sciences and Hadith department, University of Qom
** Associate professor of the Quranic Sciences and Hadith department, University of Qom
*** PhD student, University of Qom

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول)
Moadab_113@yahoo.com
** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم
*** دانشجوی دکتری دانشگاه قم

مقدمه

در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری و در رویارویی با پیشرفت‌های خیره‌کننده غرب و تهاجم همه‌جانبه استعمار به کشورهای اسلامی، جریان‌هایی در ایران شکل گرفت که برخی دینی و برخی غیر دینی بودند. یکی از این جریان‌ها که با هدف اتحاد امت اسلامی و با شعار بازگشت به قرآن و دوران طلایی چهل سال اول اسلام شکل گرفت؛ جریان قرآنیان شیعه است. طرفداران این جریان که سنت را تنها به‌عنوان مبین بخش احکام و مجملات قرآن معتبر دانسته و قرآن را در بخش اعتقادات کافی و بی‌نیاز از سنت قلمداد کرده‌اند، چشم خود را بر روی بخش وسیعی از روایات بسته و سنت را به‌طور جدی مورد نقد قرار داده‌اند.

چهره‌های شاخص این جریان، همچنین برای پذیرش سنت، شرایطی چون موافقت آن با قرآن و عقل، مورد اتفاق، قطعی و متواتر بودن را قرار داده‌اند که میزان اعتبار تک‌تک این شرایط و همچنین پای‌بندی قرآنیان به آن، به‌خصوص در یادداشت‌های تفسیری‌شان قابل نقد و بررسی است. در این مقاله که به صورت مطالعه کتابخانه‌ای صورت گرفته، ضمن معرفی کوتاه قرآنیان شیعه، کاربرد روش تفسیری قرآن به سنت از سوی ایشان مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

معرفی مهم‌ترین قرآنیان شیعه

سید اسدالله خرقانی

سید اسدالله میراسلامی معروف به خرقانی (۱۳۵۵-۱۲۵۴ ق) اولین کسی است که با شعار بازگشت به قرآن، شکل‌گیری جریان قرآنیان شیعه را در ایران رقم زد. او قریب ۲۵ سال در حوزه علمیه نجف تحصیل

کرد و به درجه اجتهاد رسید (جعفریان، ۱۳۸۲: ک) خرقانی در نجف، بیش از همه، شاگرد آخوند خراسانی و در دستگاه وی بود (کرمانی، ۱۳۸۴: ۶۱/۱) و در همین حوزه درسی، همراه شماری دیگر از طلاب جوان، دسته‌ای از روحانیون متجدد را در آستانه انقلاب مشروطه پدید آورد (فقیه حقانی، سخنرانی).

روحیه نواندیشی و تجددگرایی وی را نمی‌توان بی‌ارتباط با شرکت او در درس شیخ هادی نجم‌آبادی (م ۱۲۵۰ ق) دانست. خرقانی ملاقات‌هایی هم با سید جمال‌الدین اسدآبادی (م ۱۳۱۴ ق) داشته (جعفریان، ۱۳۸۲: ۲۶/۲) که قطعاً این ملاقات‌ها بر افکار و اندیشه‌های او بی‌تأثیر نبوده است. از سوی دیگر، خود خرقانی هم شخصیتی تأثیرگذار داشته و افراد زیادی تحت تأثیر وی قرار گرفته‌اند. شاگردانش هم مانند خودش، تر روشنفکری داشتند.

از جمله شاگردان او می‌توان از سید محمود طالقانی، مهدی بازرگان، نورمحمدی - که محوالموهوم او را نوشته است - و صادق تقوی نام برد (حسینی و رجانی، خاطرات).

شریعت سنگلجی هم از جمله کسانی است که در مجلس درس تفسیر خرقانی حاضر می‌شده و از منهج او تأثیر می‌پذیرفته است (جعفریان، ۱۳۹۱: ۸۸۲).

بعضی از دیدگاه‌های خرقانی براساس نوشته‌هایش در کتاب محوالموهوم، عبارت‌اند از این که: حدیثی را که با نص قرآن مخالف باشد، باید کنار گذاشت؛ چون قرآن مرجع اصلی و اساسی دین است و اخبار صحیح، چیزی جز شرح آن نیست (خرقانی، بی‌تا: ۱۳، ۷۲ و ۷۶).

معیار شناخت دین اصیل و واقعی از چیزهایی که در آن وارد شده، سه چیز است: اول: قرآن، دو: آن

مقدار از سنت که مورد اتفاق همه فرق اسلامی است. سوم: سیره پیامبر (ص) در طول ۲۳ سال تبلیغ (همان: ۱۳-۱۲). اولوا الامر در اسلام، انتخابی است (همان: ۳۹-۳۸):

«عموم فرق اسلامی در مسئله اولوا الامر، به اشتباه رفته‌اند؛ زیرا آیه اولوا الامر، از روز اول فراموش شد» (همان: ۴۲). «متدین کسی است که به تمام اقوال و افعال بیست و سه ساله ذات اقدس - سما قدره - عمل و از آن حضرت پیروی نماید تا مصداق مسلم و علاقه‌مند به قرآن و پیرو دین محمد (ص) باشد؛ پس از آنکه مصداق مؤمن شد، به هر یک از مذاهب مختلفه مسلمین داخل شود و برای تحصیل و وقوف بر بعضی دقایق دینی، هر نام و عنوانی بر خود گذارد، حرجی بر او نخواهد بود.» (همان: ۱۵۸).

برخی از آثار خرقانی عبارت‌اند از: ۱- رساله در مفهوم و مصداق اولوالامر قرآنی، ۲- کتاب محور الموهوم و صحوال معلوم.

شریعت سنگلجی

محمدحسن شریعت سنگلجی (۱۳۶۳-۱۳۱۰ ق) که برخی نام او را رضاقلی (مدرسی چهاردهی، ۱۳۵۲: ۸۷۶/۱۱۶) و برخی دیگر غلامرضا (جعفریان، ۱۳۹۱: ۸۸۱) ذکر کرده‌اند؛ یکی از معروف‌ترین قرآنیان شیعه است که از سوی برخی پژوهشگران (حب‌الله، ۲۰۰۷: ۶۱۲)، بنیان‌گذار اندیشه قرآنی در ایران نام‌گرفته است.

او نزد علمای تهران شروع به تحصیل کرد و سپس برای ادامه تحصیل به نجف رفت و مدت چهار سال و اندی در نجف بود و بار دیگر در سال ۱۳۴۰ قمری به تهران مراجعت کرد (سنگلجی، ۱۳۲۳: ۷-۳).

برخی از دیدگاه‌های شریعت را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: قرآن برای همه قابل‌فهم است (همو، بی‌تا: ۲۱) و فهم آن، مبتنی بر شناسایی اسباب نزول (همان: ۲۹) و نیازمند شناختن احوال عرب در آن عصر می‌باشد (همان: ۳۲). علت بدبختی مسلمانان این است که دین را از قرآن نمی‌گیرند و در آیات آن تعمق نمی‌کنند (همان: ۳).

احکام شریعت در قرآن، کلی و نیازمند سنت است (همان: ۳۸). به دست کردن حلقه، انگشتر، نخ یا امثال آن‌ها، برای دفع بلا (همو، ۱۳۸۶: ۴۹)، تبرک به درخت، سنگ و امثال آنها (همان: ۵۷)، ذبح و قربانی برای غیر خدا (همان: ۶۱) و دعا، توسل و استغاثه به غیر خدا (همان: ۷۲)، از اقسام شرک است.

برخی از این آثار سنگلجی عبارت‌اند از: توحید عبادت، کلید فهم قرآن، محور الموهوم و البدع و الخرافات.

حکمی‌زاده

علی‌اکبر حکمی‌زاده (۱۳۴۶-۱۲۸۰ ش) یکی دیگر از قرآنیان است. او علاوه بر تحصیل علوم دینی، در مجالس عزاداری به مرثیه و روضه‌خوانی می‌پرداخت. مورخان او را از خطیبان سخنور و مرثیه‌خوانان خوش‌صدا به شمار آورده‌اند (ویکی‌پدیا).

او مسائلی از قبیل احادیث، اصل امامت، عزاداری و ثواب آن، ابدی بودن قوانین اسلام، ناسازگاری برخی از احادیث با عقل و زندگی و علت عدم علاقه مردم به دین را به‌صورت طرح سؤال به چالش کشیده و از علما در مورد آن پاسخ خواسته است (حکمی‌زاده، ۱۳۲۲: ۵۵، ۴۹، ۴۱، ۲۳، ۱۴).

فرید تنکابنی

عبدالوهاب فرید تنکابنی (۱۳۶۰-۱۲۸۶ ش) یکی دیگر از قرآنیان و شاگرد شریعت سنگلجی است که با نوشتن کتاب *اسلام و رجعت* شهرت یافت. او مقدمات را در محل سکونت خود نزد پدر و دیگران آموخت و جهت تکمیل تحصیلات خود به اصفهان، تهران و سپس قم عزیمت کرد و در آنجا به درجه اجتهاد نایل آمد (مرسلوند، ۱۳۷۶: ۱۱۶/۵).

دیدگاه‌های فرید را بر اساس آن چه در کتاب *اسلام و رجعت* آمده، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: باید به «قرآن کریم»، به این حبل‌الله متین متمسک شد، و آئین پاک اسلام را همان‌طوری که در دوره‌های رشد و نمو اسلام معمول بوده عمل نمود» (فرید تنکابنی، بی‌تا: ۶). «در بین روایات، اخبار جعلی فراوانی در بخش اعتقادات وجود دارد که یک هزارم آن در بخش احکام، جعل نشده است» (همان: ۶۵). «عقاید خرافی و بدعت‌ها را که هیچ ارتباطی با قرآن نداشته و باعث بی‌میلی مردم به اسلام گردیده‌اند، باید پاک‌سازی کرد» (همان: ۵). «رجعت، از عقاید غلوآمیز و خرافی و بنابراین مردود است» (همان: ۱۰۸-۱۰۷ و ۱۳۵-۱۳۳).

کتاب *اسلام و رجعت* مهم‌ترین اثر او بود و باعث شهرت وی گردید. برخی دیگر از آثار وی عبارت‌اند از: *اسلام چنان‌که بود* و کتابی به نام *روش زندگی* که ترجمه‌ای است از کتاب *اویوری انگلیسی*.

سید ابوالفضل برقی

سید ابوالفضل برقی (۱۳۷۰-۱۲۸۷ ش) یکی از شاخص‌ترین و تندروترین افراد جریان قرآنی است. او پس از گذراندن مقدمات و سطح، به درس خارج فقه و اصول رسید و آنها را نیز فراگرفت و در عین حال به تدریس مقدمات برای طلاب جوان اشتغال

برخی کتاب‌های برجای‌مانده از او عبارت‌اند از: *اسرار هزارساله*، *آیین پاک*، و *راه نجات از آفات تمدن عصر حاضر*.

میرزا یوسف شعار تبریزی

میرزا یوسف شعار تبریزی (۱۳۹۲-۱۳۲۰ ق) یکی دیگر از قرآنیان شیعه است که در تبریز و تهران، مکتب تفسیر قرآن به راه انداخت و با نوشتن کتاب *تفسیر آیات مشکله*، شهرت یافت. او در بیست‌سالگی به مدرسه علوم دینی (طالبیه و جعفریه) تبریز رفت و به تحصیل علوم فقه و اصول و معانی و بدیع پرداخت. ضمناً هم‌زمان، برخی از علوم دینی را در همان‌جا تدریس می‌کرد (مجلس تفسیر تبریز، ۱۳۵۱: ۷).

دیدگاه‌های شعار را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: «تنها با چنگ زدن به رشته قرآن می‌توان اختلافات شایع بین مسلمانان را حل کرد؛ شیوه اجرای آن هم این است که همان راه و روشی را که امام علی (ع) بعد از پیامبر (ص) بزرگوار اسلام برای حفظ وحدت جامعه اسلامی انتخاب کرد، برگزینند» (همان: ۱۸). «قرآن مجید، مستقل بالفهم است و در تفسیر آیات، به اخبار و شأن نزول‌ها اعتماد کلی نمی‌توان کرد. در مورد احکام نیز هرچند وجود سنت ضروری است، باید به اخبار متواتر و در صورت نبود آن به اخبار اطمینان‌آور اکتفا کرد» (همان: ۱۴). معانی تمام آیات قرآن قابل درک است (همان: ۲۳-۲۲). «عقاید مسلمانان با مقدار زیادی از خرافات و بدعت‌ها که با نص قرآن ناسازگار است، آمیخته شده است» (همان: ۲۶-۲۵).

برخی از تألیفات شعار عبارت‌اند از: *تفسیر آیات مشکله*، رساله *محکّمات و متشابهات در قرآن*، *تفسیر سوره جمعه و منافقون*، *مقدمات تفسیر و رسائل تفسیری*.

داشت. برقی بخشی از تحصیلات دینی خود را در نجف اشرف گذرانده و در آنجا از بعضی مراجع، کسب درجه اجتهاد کرده است (برقی قمی، ۱۳۸۷: ۱۰ و ۱۱).

دیدگاه‌های برقی از جمله تندترین دیدگاه‌های قرآنیان نسبت به اعتقادات شیعه به شمار می‌رود. او معتقد است: «برای این که فریب اخبار مجعول را نخوریم و اسیر خرافات نشویم، آشنایی با قرآن کریم بهترین وسیله نجات است.» (همو، ۱۳۸۸: ۱۰۰۶)

«انبیاء (ع) پس از وفات خود از امت خویش خبر ندارند و در عالم باقی از عالم فانی، بی‌خبر و آسوده‌اند.» (همو، ۱۳۸۷: ۲۴۹)

«کتب مذهبی مانند کافی و بحار مملو از مطالب ضد قرآن و عقل است و از امامان هدایت نیست و پرداخته دشمنان است.» (همان: ۲۵۰).

«مهدی منتظری که طبق عقیده و روایات شیعه می‌آید و برای جهان عذاب و نعمت است و مردم جهان را با شمشیر می‌کشد و به‌زور، همه را به اسلام وارد می‌کند و تا زیر شکم اسبش خون بالا می‌آید و کافری در دنیا نمی‌ماند برای این که پنج سال یا هفت سال ریاست کند، صحیح نیست و برخلاف آیات و سنت الهی است.» (همان: ۲۵۰).

«این عقیده شیعه که ائمه به دنیا بازمی‌گردند و مخالفان خود را از قبور بیرون می‌آورند و به آتش می‌کشند و جزا می‌دهند؛ صحیح نیست.» (همان: ۲۵۱).

تعدادی از مهم‌ترین تألیفات او که پس از تغییر عقیده نوشته، عبارت‌اند از: نقد المراجعات و الرد علیها، به زبان عربی، تائیدی از قرآن، ترجمه احکام القرآن شافعی، ترجمه عقیده اسلامیة از تألیفات محمد بن عبدالوهاب، ترجمه مسند امام زید بن علی،

اصول دین از نظر قرآن، خرافات وفور در زیارت قبور، تضاد مفاتیح‌الجنان با آیات القرآن، بررسی علمی در احادیث مهدی، بت‌شکن یا عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، رهنمود سنت در رد اهل بدعت و ترجمه مختصر کتاب منهاج السنه، از تألیفات ابن تیمیه.

حیدرعلی قلمداران

حیدرعلی قلمداران (۱۳۶۸-۱۲۹۰ ش) یکی از افراد قرآنی است که کتاب‌های زیادی تألیف کرده و با برقی و حسینی طباطبایی هم‌دوره بوده و ارتباط تنگاتنگی داشته است.

او فاقد هرگونه مدرک تحصیلی و تحصیلات حوزوی بود و تنها معلم وی، پیرزنی بوده که مقداری قرآن به او آموخته است (حسینی ورجانی گ). او حوالی سی سالگی در تهران به خدمت آموزش و پرورش درآمد و از همین سال‌ها بود که فعالیت‌های فرهنگی و نگارشی خود را از طریق همکاری با نشریات و مطبوعات غالباً دینی آغاز کرد (زرنگار، بی‌تا: ۵ و ۶).

برخی از دیدگاه‌های او عبارت‌اند از: «کسی که از جانب مسلمین برانگیخته شد امام مفترض الطاعه است و مادامی که در اطاعت خدا است مخالفتش حرام است؛ پس انحصار آن به امام معصوم بدون دلیل و بی‌معنی است.» (قلمداران، بی‌تا الف: ۱۸۶) «خمس فقط مربوط به غنائم جنگی است» (همو، بی‌تا خ: ۱۸۷). «انهدام یک رکن مهم اسلام، ترک جمعه است» (همو، بی‌تا الف: ۲۰۴). «ساختن بقعه و پرداختن دخمه و پرستش اموات، یکی از آداب و سنن ادیان خرافی و باطله قبل از اسلام بوده است» (همان: ۲۳۷). «اکثر اعمالی که در میان شیعیان

مجبوریم آن مکتب پاک و عالی را به نام مکتب جدید اسلام معرفی نماییم» (تقوی، ۱۳۶۲: ۴). او به جز قرآن، عمل فعلی مردم مکه و مدینه را در احکام قابل استناد می‌دانست (همان: ۴۱) و معتقد بود که در هر زمان امام زمانی وجود دارد و در عصر خویش، خود او یعنی دکتر تقوی امام زمان است. وی که خود را سنی نبوی و شیعه نبوی می‌خواند، گفتن «حی علی خیر العمل» را به دلیل این که معنایش متناسب نیست، جایز نمی‌دانست، چرا که - از نظر او - نماز بهترین اعمال نیست، بلکه یکی از اعمال خوب است (جعفریان، ۱۳۹۱: ۹۱۲).

برخی از مهم‌ترین آثار وی عبارت‌اند از: مواد اساسی حکومت اسلام، چگونه نماز بخوانیم، دوازده قاعده رفع اختلاف مسلمین، قوانین ارث اسلام و ترجمه و تفسیر قرآن به ترتیب نزول سوره‌ها.

حسینی طباطبائی

سید مصطفی حسینی طباطبائی در سال ۱۳۱۴ ش در خانواده‌ای متدین و اهل علم به دنیا آمد. او از نوادگان آیت‌الله طباطبائی بزرگ از سران انقلاب مشروطه است. وی در نوجوانی وارد حوزه علمیه قم شد، اما هرگز لباس روحانیت برتن نکرد (مختصری از زندگینامه استاد سید مصطفی حسینی طباطبائی، بی‌تا: ۵-۱).

مهم‌ترین دیدگاه‌های او عبارت‌اند از: «قرآن کریم بدون حدیث، قابل فهم است.» (حسینی طباطبائی، بی‌تا ر: ۱۵۰). «باید شرح مجملات قرآن را به سنت احاله کنیم؛ مانند شرایط بعضی از احکام که در قرآن مجید نیامده‌اند و در این باره استبداد به رأی نشان ندهیم.» (همان: ۱۴۵). «موضوع امامت از دیدگاه محکّمات قرآن مجید، به اعتبار ماهیت، از حکومت

به نام شعایر دین صورت می‌گیرد از قبیل تعمیر مقابر و تعظیم مشاهد و عزاداری‌ها و زنجیرزنی و نذر برای غیر خدا و موقوفات و توسلات و ... اگر به دیده تحقیق نگریسته شود، مخالف شرع انور و مباین با تعالیم پیامبر و ائمه بزرگوار اسلام بوده و شرک خالص است.» (همان: ۲۸۵).

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: کتاب *ارمغان آسمان در بیان عوامل و علل ارتقاء و انحطاط مسلمانان، حکومت در اسلام، حج یا کنگره عظیم اسلامی، حقایق عریان در اقتصاد قرآن [زکات]*، *خمس، راه نجات از شر غلات* که در پنج قسمت تألیف شده، *شاهراه اتحاد و کتاب سنت رسول از عنترت رسول*.

سید صادق تقوی

دکتر سید صادق تقوی (۱۳۷۳ - ۱۲۹۲ ش) در تجریش به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا سال ۱۳۱۶ ادامه داد و پس از طی دوره دانشکده دندانپزشکی، فارغ‌التحصیل شد. او در سال ۱۳۲۰ به استخدام وزارت بهداشت درآمد و در سال ۱۳۴۷ بازنشسته شد (جعفریان، ۱۳۹۱: ۹۰۹).

از مهم‌ترین دیدگاه‌های تقوی این بود که با تقسیم اسلام به قدیم و جدید، اسلام قدیم را اسلام تحریف شده می‌دانست و معتقد بود: «مکتب اسلام واقعی در اثر هوا و هوس و اغراض شخصی پیشوایان ادیان در دوران تاریخ چندین بار تحریف شده و از صورت پاک و صحیح اولیه به صورت‌های خرافی و پست جلوه کرده... و اینک ما آن اسلام واقعی را به دست آورده و تجدید می‌نماییم و چون اصول علمی ما برای کشف حقایق اسلام تازگی دارد و از طرفی اسلام را پیشوایان سوء بد نام کرده‌اند، ما

رسمی و امارت جدا است.» (همان: ۱۵۸). سجده بر مهر جزو مستحذات است (همو، بی تا آ: ۸).

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: راهی به سوی وحدت اسلامی، خیانت در گزارش تاریخ، دین‌ستیزی نافرجام، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، نقد کتب حدیث، فتح البیان فیما روی عن علی من تفسیر القرآن، علیّ بین التقصیر و الغلو، آیا سجده بر غیر زمین جایز است؟، قرآن بدون حدیث هم قابل فهم است، دفاع از شمشیر اسلام و بررسی آراء اخباری و اصولی.

دیدگاه قرآنیان در تفسیر قرآن به سنت

تفسیر به مأثور در میان اهل سنت عبارت است از تفسیر قرآن با استناد به احادیث منقول از پیامبر (ص) و سخنان صحابه و بنابر قولی تابعین (شحاته، ۱۳۹۴: ۱۶۹) و در بین امامیه، روشی از تفسیر قرآن است که مبتنی بر احادیث تفسیری پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) می‌باشد (ابوطبره، ۱۳۷۲: ۹۱؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۶۴۵-۶۴۶/۱).

قرآنیان شیعه نیز با وجود این که معتقد به کفایت قرآن در بخش اعتقادات هستند؛ در یادداشت‌های تفسیری خود از سنت پیامبر و روایات اهل بیت گرامی آن حضرت و اقوال صحابه و تابعین استفاده کرده‌اند. براساس این دیدگاه، قرآن در بخش اعتقادات نیازی به سنت ندارد و سنت رسول خدا (برقعی قمی، بی تا ق: ۴۶؛ همو، بی تا ت: ۱۹/۱) و اهل بیت آن حضرت و اصحاب، تنها مبین مجملات قرآن است (سنگلجی، بی تا ک: ۵۶). علاوه بر این از نظر ایشان سنتی معتبر و مورد قبول است^۱ که موافق

۱. البته باید یادآور شد که قرآنیان هم برای تشخیص روایات ساختگی معیارهای ده‌گانه‌ای ذکر کرده‌اند که مخالفت با قرآن،

عقل (برقعی قمی، ۱۳۸۸: ۷؛ فرید تنکابنی، بی تا: ۱۲۲؛ حسینی طباطبائی، بی تا ب: ۱۶۰) و قرآن (خرقانی، بی تا: ۱۰۵، فرید تنکابنی، بی تا: ۱۲۲؛ برقعی قمی، ۱۳۸۸: ۲۸۰؛ حسینی طباطبائی، بی تا ب: ۱۵۶)، حتمی (سنگلجی، ۱۳۸۶: ۱۷۶؛ فرید تنکابنی، بی تا: ۶۲؛ برقعی قمی، ۱۳۸۸: ۲۸۰؛ حسینی طباطبائی، بی تا ب: ۱۵۸)، مورد اتفاق (خرقانی، بی تا: ۲۷۲) و متواتر (فرید تنکابنی، بی تا: ۶۲؛ قلمداران، بی تا ب: ۶) باشد. در نقد دیدگاه قرآنیان شیعه در این باب باید به دو نکته مهم توجه داشت. نکته اول: دیدگاه کفایت قرآن در بخش اعتقادات است که با توجه به اهمیت بحث، نقد و بررسی آن را به مقاله‌ای جداگانه وامی‌گذاریم و نکته دو: نحوه عملکرد آنان در تفسیر قرآن به سنت که در اینجا مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

نقد عملکرد قرآنیان در تفسیر قرآن به سنت

در نقد عملکرد قرآنیان شیعه در تفسیر قرآن به سنت، دو پرسش مطرح است:

پرسش اول) آیا قرآنیان شیعه، طبق دیدگاه خودشان، از سنت، تنها در تفسیر مجملات و احکام قرآن استفاده کرده یا بر خلاف دیدگاه خود، در بخش اعتقادات هم از روایات بهره برده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت: قرآنیان در تفسیر آیات قرآن نه تنها در بخش مجملات و احکام بلکه در بخش اعتقادات هم از روایات فراوانی استفاده کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال: سنگلجی در بحثی با عنوان دلیل فطرت بر اثبات خالق جهان، در تفسیر آیه شریفه *(فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ*

عقل و سنت قطعی پیامبر هم در آن معیارها قرار دارند؛ اما در سایر جاهایی که ملاک قبول روایات را ذکر کرده‌اند، بیش‌تر بر این چند مورد تأکید دارند. برای آگاهی از معیارهای شناخت احادیث ساختگی از نظر قرآنیان رک: حسینی طباطبائی، بی تا: ب/۱۵۷؛ فرید تنکابنی، ۱۳۵۶: ۱۳؛ همو، بی تا: ۱۲۲.

حتمی، مورد اتفاق و متواتر بودن روایت را قرار داده‌اند؛ تک‌تک شرایط مذکور را در یادداشت‌های تفسیری ایشان مورد نقد و بررسی قرار داده و به‌طور دقیق پایبندی ایشان به این شرایط را محک می‌زنیم.

الف) موافقت روایت با قرآن و عقل

در نقد این دیدگاه پنج سؤال مطرح می‌شود؟

سؤال اول) آیا منظور از موافقت روایت با قرآن و عقل، موافقت با هر دوی آنها به‌طور هم‌زمان است یا موافقت با هر یک از آنها؟ اگر منظور موافقت هم‌زمان با هر دوی آنها باشد، این شرط نامناسبی است؛ چون در قرآن چیزی برخلاف عقل یافت نمی‌شود. بنابراین هر حدیثی با قرآن موافق باشد، با عقل هم موافق است و اگر منظور موافقت با یکی از آنها باشد، باز همان اشکال پیش می‌آید؛ مگر این که منظور ایشان از این شرط، احادیثی باشد که موافقت یا مخالفت آنها با قرآن روشن نباشد و از پالایه قرآن عبور کند و به پالایه عقل برسد. به عبارت دیگر، اگر موافقت یا مخالفت حدیثی با قرآن معلوم نباشد، آن را با عقل محک می‌زنند و در صورت موافقت با عقل مورد پذیرش قرار می‌دهند. این تنها وجهی است که از شرط موافقت روایت با قرآن و عقل می‌تواند مورد نقد و بررسی قرار گیرد و سایر وجوه اصالتاً صلاحیت نقد و بررسی ندارند. بنابر این می‌توان نتیجه گرفت که اگر منظور قرآنیان از موافقت حدیث با قرآن و عقل این باشد که هر روایتی آشکارا با قرآن مخالف بود، کنار گذاشته می‌شود و اگر مخالفت آن آشکار و قابل تشخیص نبود، در صورت موافقت با عقل، پذیرفته و در غیر این صورت کنار گذاشته می‌شود؛ این شرط درستی است و تنها باید از نظر پای‌بندی خود قرآنیان به آن، مورد نقد و بررسی قرار

حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم/۳۰) ضمن استشهاد به روایتی از امام صادق (ع) در مورد متولد شدن انسان بر فطرت خداپرستی، به تفسیر آیه بر اساس روایت می‌پردازد (سنگلجی، بی تا ک: ۱۹۳).

همچنین کتاب فتح البیان حسینی طباطبایی به طور کلی از روایات تفسیری علی (ع) تألیف شده است؛ که این روایات تفسیری شامل آیات اعتقادی قرآن نیز می‌شود. علاوه بر این قرآنیان، در کتاب‌های خود به صورت کلی یا در فصل‌های جداگانه‌ای که در خصوص مباحث اعتقادی نگاشته‌اند، از روایات در توضیح و تفسیر آیات اعتقادی استفاده کرده‌اند؛ که از جمله آنها می‌توان به کتاب بحث شفاعت و شاهراه اتحاد از قلمداران، اصول دین از دیدگاه قرآن و تابشی از قرآن از برقعی، توحید عبادت و محور الموهوم از سنگلجی، اسلام و رجعت از فرید تنکابنی، راهی به سوی وحدت از حسینی طباطبایی و تفسیر آیات مشکله از یوسف شعاع اشاره کرد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قرآنیان به دیدگاه خود مبنی بر عدم نیاز قرآن به سنت در بخش اعتقادات پای‌بند نبوده و در تفسیر آیات اعتقادی از روایات کمک گرفته‌اند و این کار آنها به این معنی است که برای بهتر فهمیدن و فهماندن این مباحث به مخاطبان خود چاره‌ای جز استفاده از روایات نداشته‌اند.

پرسش دوم) آیا قرآنیان در استفاده از سنت برای تفسیر قرآن، به شرایط اعتبار و قبول آن از نظر خودشان پای‌بند بوده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش ضمن یادآوری این نکته که قرآنیان شیعه برای قبولی روایات، شرایطی همچون موافقت با قرآن و عقل،

گیرد و اگر منظور دیگری جز آن چه گفته شد داشته باشند، وجه درستی برای آن نمی‌توان تصور کرد.

سؤال دوم) آیا منظور از موافقت حدیث با قرآن، عین موافقت است یا عدم مخالفت؟

اگر منظور، موافقت با قرآن باشد، وقوع چنین امری در مورد بسیاری از روایات، محال به نظر می‌رسد؛ چون روایات از نظر کمیت فراوان‌اند و ممکن است از بسیاری از موضوعاتی که در روایات مطرح شده، اثری در قرآن نباشد؛ بنابراین شرط موافقت روایات با قرآن، در صورتی صحیح به نظر می‌رسد که منظور از آن، عدم مخالفت^۱ روایات با قرآن باشد. پس اگر منظور قرآنیان از شرط موافقت روایات با قرآن، همین وجه باشد، شرط ایشان شرط درستی به نظر می‌رسد و اگر منظورشان عین موافقت با قرآن باشد، شرط صحیحی به نظر نمی‌آید؛ چون به علت تنوع موضوعات در احادیث و محدود بودن موضوعات قرآنی، برای رعایت این شرط، می‌باید از بسیاری از روایات چشم‌پوشی و دامنه‌ی بهره‌مندی از آنها را بسیار محدود کرد و این را خود قرآنیان هم

۱. بعضی از روایات به این معنی تصریح دارند؛ از جمله، روایتی از امام صادق(ع) که فرمود: «لا تقبلوا علينا ما خالف قول ربنا و سنة نبينا محمد، فإننا إذا حدثنا قلنا قال الله عزوجل و قال رسول الله.» یعنی: «حدیث مخالف قول پروردگاران و سنت پیغمبرمان محمد را از قول ما نپذیرید؛ زیرا هر حدیثی که ما بگوییم چنین است که می‌گوییم: «خدای عزوجل فرمود و رسول خدا (ص) فرمود.» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۲/۲).

و روایتی از امام رضا(ع) که فرمود: «لا تقبلوا علينا خلاف القرآن فإننا إن تحدثنا حدثنا بموافقة القرآن و موافقة السنة، و إنا عن الله و عن رسوله نحدث.» یعنی: «حدیثی که مخالف قرآن باشد از قول ما قبول نکنید؛ چون اگر ما حدیثی بگوییم، بر طبق قرآن و سنت می‌گوییم؛ زیرا ما از قرآن و از رسول خدا (ص) نقل قول می‌کنیم.» (همان).

رعایت نکرده‌اند.

سؤال سوم) آیا منظور از عقل، عقل فردی است یا عقل کلی؟ در گفته‌های قرآنیان تصریحی در این زمینه به چشم نمی‌خورد؛ بنابر این اگر منظور ایشان از عقل، عقل فردی باشد، این شرط به هیچ وجه درست به نظر نمی‌آید؛ چون عقل‌ها با هم متفاوت هستند و چیزی که از نظر یک نفر خوب شمرده می‌شود، ممکن است از نظر فرد دیگر، بد به حساب آید و به این ترتیب، هر کسی می‌تواند به سلیقه‌ی عقلی خود، روایات را بپذیرد یا رد کند و با این کار عملاً حجیت روایات از میان می‌رود. اما اگر منظور ایشان از عقل، عقل کلی باشد، باید دید که خود قرآنیان، تا چه اندازه به این شرط، پایبند بوده و به آن عمل نموده‌اند.

سؤال چهارم) آیا این معیار از سوی قرآنیان در نقل همه روایات به‌کار رفته است یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا قرآنیانی که ملاک قبولی روایات را موافقت آن با قرآن و عقل دانسته‌اند؛ در پذیرش و نقل همه روایات، این ملاک را رعایت کرده‌اند؟ پاسخ این سؤال در هر صورت منفی است؛ چون اگر منظور از رعایت این معیار، این باشد که قرآنیان برای نقل هر روایتی، ضمن اشاره به موافقت یا مخالفت آن با عقل و قرآن، آن را پذیرفته یا رد کرده‌اند، گرچه در برخی موارد این‌گونه عمل کرده‌اند؛ در عین حال، روایات فراوانی را می‌بینیم که بدون اشاره به این نکته توسط ایشان نقل شده است و اگر منظور، این باشد که قرآنیان هنگام نقل روایات بدون اشاره به این ملاک به آن عمل کرده و هر روایتی را با رعایت این شرط پذیرفته یا رد کرده‌اند؛ می‌بینیم که بخشی از روایات نقل شده از سوی آنان، بدون رعایت این ملاک، قبول یا رد شده است؛ به‌عنوان نمونه، در تفسیر آیه

شریفه: (الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (فاطر/۱)

همه ستایش‌ها ویژه خداست که آفریننده آسمان‌ها و زمین است [و] فرشتگان را که دارای بال‌هایی دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند رسولانی [برای انجام دادن فرمان‌های تکوینی و تشریحی‌اش] قراردادده است. هرچه بخواهد در آفرینش می‌افزاید؛ یقیناً خدا بر هر کاری تواناست؛ برقی روایتی نقل می‌کند که بر اساس آن رسول خدا در شب معراج جبرئیل را دیده که دارای شش‌صد بال بوده است (برقی قمی، بی‌تا: ۴۴۲/۲).

این روایت نه‌تنها موافق قرآن نیست بلکه با آن مخالفت هم دارد؛ چون خداوند در همین آیه شریفه، فرشتگان را دارای بال‌های دو و سه و چهارتایی معرفی کرده و این روایت تعداد بال جبرئیل را شش‌صد اعلام کرده است.

از سوی دیگر این روایت با عقل هم نمی‌تواند موافق باشد؛ چون برای شش‌صد عدد بال، از نظر عقلی نمی‌توان فایده‌ای تصور کرد. برقی در این زمینه نیز می‌توانست از روایاتی استفاده کند که در این موضوع وارد شده و موافق قرآن و عقل است؛ از جمله، روایتی از پیامبر(ص) که آن حضرت فرمود: «الْمَلَائِكَةُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَجْزَاءٍ جُزْءٌ لَهُ جَنَاحَانِ وَ جُزْءٌ لَهُ ثَلَاثَةٌ أَجْنِحَةٌ وَ جُزْءٌ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَجْنِحَةٌ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۷/۸) ملائکه بر سه قسم‌اند: گروهی دارای دو بال و گروهی دارای سه بال و گروهی دارای چهار بال.

خرقانی هم در بخشی از کتاب خود نه‌تنها به این ملاک عمل نکرده، بلکه در اقدامی عجیب، قرائت

مشهور یک آیه را به وسیله روایتی تخطئه کرده است؛ آنجا که در مورد آیه شریفه (مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا) (الأحزاب/۴۰) محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است؛ و خدا به هر چیزی داناست.

می‌گوید: پیامبر به عموی خود عباس فرمود: «انت آخر المهاجرین و انا آخر الانبیاء»^۱ و این حدیث نص است در این که آیه خاتم‌النبيين به کسر تا است و قرائت به فتح تا غلط است (خرقانی، بی‌تا: ۹۱).

گرچه خود این روایت مخالفتی با عقل و قرآن ندارد؛ اما برداشت و نتیجه‌گیری خرقانی از این روایت درست به نظر نمی‌آید؛ چون با استناد به قرائت مشهور هم می‌توان خاتمیت پیامبر(ص) را از این آیه استنباط کرد؛ همانطور که دیگر مفسران چنین کاری انجام داده‌اند و ضرورتی برای مخالفت با قرائت مشهور وجود ندارد.

سؤال پنجم) آیا قرآنیان در به‌کارگیری این معیار پیوسته درست عمل کرده‌اند یا در این زمینه اشتباهاتی هم داشته‌اند؟

با مراجعه به تألیفات قرآنیان درمی‌یابیم که پاسخ این سؤال هم منفی است و ایشان در پذیرش یا رد روایات، با ملاک موافقت آنها با قرآن و عقل اشتباهاتی هم داشته‌اند؛ از جمله در تفسیر آیه شریفه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَىٰ الْأَمْرِ مِنْكُمْ...) (نساء/۵۹) ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل‌بیت‌اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید؛ برقی روایتی نقل

۱. تو آخرین مهاجر هستی و من آخرین پیامبر.

می‌کند که شخصی در مقابل پیامبر خطبه‌ای خواند و در فرازی از آن گفت: «من اطاع الله و الرسول فقد رشد و من عصاهما فقد غوی»^۱؛ پیامبر پس از پایان خطبه وی به او فرمود: تو بد سخنرانی هستی چرا نگفتی: من اطاع الله و اطاع الرسول و من عصی الله و عصی الرسول (برقی قمی، بی تا ت: ۲۹۳/۱).

منظور برقی از نقل روایت این است که نباید نام خدا و پیامبر را در یک صف قرارداد، بلکه باید آنها را با تکرار فعل از هم جدا کرد؛ درحالی‌که در قرآن آیات دیگری وجود دارد که نام خدا و رسول را در یک صف قرارداد شده است و این روایت با ظاهر آنها سازگار نیست؛^۲ از جمله آیه شریفه (قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْكَافِرِينَ) (آل-عمران/۳۲) و آیه شریفه (وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (آل‌عمران/۱۳۲) و آیه شریفه (وَ مَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا) (نساء/۶۹)؛ که نام پیامبر گرامی اسلام در ردیف نام خداوند برده شده است؛ بنابراین باوجود این که این روایت با آیات صریح قرآن ناسازگاری دارد، توسط برقی پذیرفته و نقل شده است.

نمونه دیگر این که در تفسیر آیه شریفه (وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ) (آل‌عمران/۱۳۳) و به سوی

۱. هر کس از خدا و رسول اطاعت کند هدایت می‌یابد و هر کس از آنها نافرمانی کند گمراه می‌شود.

۲. منظور ما پذیرش یا رد روایت نیست بلکه تنها نمونه‌ای آورده‌ایم از روایاتی که با مبانی خود قرآنیان با قرآن موافقت ندارد.

آمزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش [به وسعت] آسمان‌ها و زمین است، بشتابید؛ بهشتی که برای پرهیزکاران آماده شده است؛ ضمن بیش‌تر دانستن وسعت بهشت از آسمان‌ها و زمین، روایتی آورده که بر اساس آن به یک مؤمن از بهشت، بیش از چند برابر کره زمین عطا خواهد شد (برقی قمی، بی تا ت: ۲۵۰/۱).

سؤال اینجاست که شخصی مانند برقی که در برخی از مسائل اعتقادی از قبیل شفاعت، زیارت و ... چنان بر عقل خود تکیه می‌کند که بسیاری از روایات را به وسیله آن کنار می‌گذارد؛ چگونه به راحتی از کنار این روایت عبور می‌کند و از خود نمی‌پرسد که یک نفر مؤمن با بهشتی به اندازه چند برابر زمین می‌خواهد چه کار کند؟ پس این روایت و روایت‌های مشابه آن، از نظر مبانی قرآنیان با عقل سازگار نیست، اما برقی آنها را نقل کرده است.

ب) حتمی و قطعی بودن، یکی دیگر از ملاک‌های پذیرش روایات توسط قرآنیان است؛ اما این سؤال پیش می‌آید که منظور از حتمی بودن روایت چیست؟

نظر برقی در این مورد بر این است که: «منظور از سنت پیامبر (ص) همان است که حضرت علی (ع) از آن به عنوان سنت غیرمفرقه - یعنی سنت قطعی - تعبیر فرموده است. زیرا بدیهی است که در غیر این صورت، ارجاع حدیث به خبری که خود معلوم و قطعی نباشد، چیزی نیست مگر إحصاء مجهول بر مجهولی دیگر یا استناد غیر مسلم بر غیر مسلمی دیگر، و قطعاً چنین امری از شرع محتمل نیست.» (برقی قمی، ۱۳۸۸: ۲۸۰)

برقی با اشاره به این روایت از حضرت علی (ع)، سنت غیر متفق را به معنی سنت قطعی گرفته است؛

در بخش احکام و مجملات، سنت را مبین قرآن و مکمل دستورات آن قلمداد می‌کنند و از آنجا که سنت مورد اتفاق در این بخش هم اندک است؛ پس ناچار باید به سنت غیر متفقه روی آورد و این دقیقاً همان کاری است که خود قرآنیان در نقل روایات انجام داده‌اند.

پرسش دوم) آیا منظور قرآنیان از سنت متفقه، روایات وارده در بخش اعتقادات است یا در بخش احکام و مجملات قرآن؟ اگر منظورشان، بخش اعتقادات باشد، با شعار کفایت قرآن در بخش اعتقادات که از سوی خودشان اعلام شده، منافات دارد؛ چون بر اساس این شعار، قرآن در بخش اعتقادات نیازی به سنت ندارد تا بخواهند به متفقه یا غیر متفقه آن بپردازند و اگر منظورشان سنت متفقه در بخش احکام و مجملات قرآن باشد، تحقق آن، اندک است و بر این اساس باید از بخش اعظم سنت که از طریق شیعه و سنی نقل شده، دست کشید؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که گذاشتن شرط مورد اتفاق بودن روایات برای پذیرش آن‌ها، کاری نادرست است که به کنار گذاشتن بخش وسیعی از روایات منتهی می‌شود و این کاری است که خود قرآنیان هم در عمل، به آن پایبند نبوده‌اند.

پرسش سوم) آیا قرآنیان شیعه تنها به نقل روایات متفقه پرداخته‌اند؟ یا روایات غیر متفقه را نیز نقل کرده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت: با توجه به اندک بودن تعداد روایات مورد اتفاق نسبت به روایات غیر متفقه و نیازی که خواه‌ناخواه ایشان به نقل روایات احساس می‌کرده‌اند؛ این ملاک نیز برای پذیرش و نقل روایات از سوی قرآنیان به‌طور کامل رعایت نشده و روایات فراوانی دیده می‌شود که گرچه مورد اتفاق امت اسلامی نبوده، از سوی قرآنیان

اما باز این سوال پیش می‌آید که منظور از سنت قطعی چیست؟ اگر منظور از قطعی بودن سنت، مورد اتفاق بودن آن باشد، دربند «ج» و اگر منظور، متواتر بودن آن باشد، دربند «د» به نقد و بررسی آن می‌پردازیم.

ج) مورد اتفاق بودن، یکی دیگر از ملاک‌های پذیرش روایات توسط قرآنیان است که نقد و بررسی آن را با طرح پرسش و پاسخ‌هایی پی می‌گیریم. پرسش اول) سنت باید مورد اتفاق چه کسانی باشد تا مورد پذیرش قرار گیرد؟ آیا باید مورد اتفاق شیعه باشد یا سنی یا کل امت اسلامی؟ پاسخ این پرسش را در کلام خرقانی می‌توان یافت؛ آنجا که می‌گوید:

«لازم است که مسلمانان برای مسائل دین به قرآن استدلال نمایند و اگر در قرآن مسئله‌ای را نیافتند به سنت متفقه مسلمین تمسک کنند» (خرقانی، بی‌تا: ۲۷۲).

پس از نظر او سنت باید مورد اتفاق مسلمانان باشد و چنین شرطی اگر بخش بزرگی از سنت را شامل می‌شد، شرطی بسیار موجه و مورد قبول بود؛ چون قطعاً اگر روایتی یافت شود که مورد اتفاق امت اسلامی باشد، حتماً از ارزش و اعتبار بسیار بالایی برخوردار است؛ اما در این حجم وسیع از روایاتی که توسط فریقین نقل شده، چه مقدار از آنها مورد اتفاق است؟ مسلماً میزان روایات متفقه نسبت به روایات غیر متفقه بسیار اندک است. پس آیا باید از این حجم وسیع روایات غیر متفقه دست کشید و آنها را کنار گذاشت؟ اگر چنین باشد که باید جز اندکی از سنت، بقیه را رها کرد و این امری است که خود قرآنیان هم تا این اندازه به آن معتقد نیستند؛ چون ایشان قرآن را در بخش اعتقادات کافی و بی‌نیاز از سنت می‌دانند و

آن استفاده کرده، نه تنها مورد اتفاق مسلمین نیست، بلکه تنها از طریق اهل سنت در برخی از منابع تفسیری؛ از جمله: اسباب النزول (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۸: ۲۴۷) و الجامع لاحکام القرآن (انصاری قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۱۴/۱۵) نقل شده و اثری از آن در صحاح اهل سنت به این شکل و مضمون وجود ندارد.

د) متواتر بودن، یکی دیگر از شرایطی است که قرآنیان برای پذیرش و نقل روایات قرار داده‌اند. با طرح دو پرسش، این شرط قرآنیان را برای پذیرش و نقل روایات مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

پرسش اول) آیا قراردادن چنین شرطی برای پذیرش و نقل روایات به معنی چشم‌پوشی از سنت نیست؟ با توجه به تعداد اندک روایات متواتر (شیخ مرتضی انصاری، ۱۴۱۹: ۳۱۸/۱) در بین انبوه روایات رسیده، به نظر می‌آید که گذاشتن چنین شرطی برای پذیرش و نقل روایات، به معنی چشم‌پوشی از روایات و کنار گذاشتن آنها است؛ چون محدود کردن سنت به روایات متواتر، در واقع برابر است با محروم کردن امت اسلامی از دسترسی و برخورداری از حجم بسیار وسیعی از روایات؛ و گذاشتن این شرط به انکار سنت می‌انجامد که خود قرآنیان هم در عمل به آن پایبند نیستند.

پرسش دوم) آیا قرآنیان به این ملاک خود برای پذیرش روایات پایبند بوده‌اند؟ با مراجعه به تألیفات قرآنیان، درمی‌یابیم که خود ایشان نیز در پذیرش و نقل روایات، به این ملاک پایبند نبوده و چاره‌ای هم جز نادیده گرفتن این ملاک نداشته‌اند. چون در موارد بسیاری جهت اثبات و تأیید مطالب خود و متقاعد کردن مخاطب، نیازمند استفاده از احادیث بوده‌اند و از آنجا که تعداد روایات متواتر بسیار اندک است و

نقل شده است. از جمله، برقعی در تفسیر آیات شریفه ۷۸ تا ۸۰ سوره قصص در رابطه با ثروت قارون، به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) استناد می‌کند که آن حضرت فرمودند: «والله ما الفقر أخشى عليكم، ولكني أخشى عليكم أن تبسط الدنيا عليكم كما بسطت على من قبلكم فتنافسوها كما تنافسوها^۱ و تهلككم كما أهلكنهم» (برقعی قمی، بی تا ت: ۳۵۳/۲ و ۳۵۴) که این حدیث تنها در مصادر اهل سنت، همچون صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۹/۵) و صحیح مسلم (مسلم نیشابوری، بی تا: ۲۱۲/۸) وجود دارد و در مصادر حدیثی شیعه اثری از آن یافت نمی‌شود.

بنابراین برقعی از روایتی استفاده کرده که مورد اتفاق نیست و تنها از طریق اهل سنت نقل شده است.

نمونه دیگر در تفسیر آیات شریفه ۴ تا ۸ سوره صاد، روایتی نقل می‌کند که بر اساس آن: چون عمر مسلمان شد، مسلمین کاملاً خوشحال شدند و بر قریش سخت آمد. پس ۲۵ نفر از بزرگان‌شان نزد ابوطالب اجتماع کردند و گفتند: تو بزرگ مائی و می‌دانی که این سفها چه می‌کنند. ما آمده‌ایم تا تو بین ما قضاوت کنی، پس ابوطالب، رسول خدا را احضار کرد برای جواب ایشان. حضرت فرمود: چه می‌خواهید؟ گفتند: تو ما را و خدایان ما را رها کن و ما نیز تو و خدای تو را رها می‌کنیم، حضرت فرمود: اگر آن چه می‌خواهید من به شما قول دهم شما حاضرید کلمه‌ای بگوئید که عرب و عجم تسلیم شما شوند؟ گفتند: آری، فرمود بگوئید: لا إله إلا الله، پس چون شنیدند برخاستند و گفتند *أَجَلَّ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا...* . این روایتی که برقعی در تفسیر این آیات از

۱. در کتاب *تابشی از قرآن* به اشتباه، به جای ضمیر «ها» ضمیر «هم» نوشته شده است.

سنت را بسیار کوچک و تعداد روایات مورد قبول را بسیار اندک می‌کند و در نقد این دیدگاه همین بس که خود قرآنیان هم نتوانسته‌اند به این دیدگاهشان پایبند باشند و روایات غیر متفق‌فرآوانی را نقل کرده‌اند.

۵- گذاشتن شرط تواتر برای پذیرش سنت از سوی آنان نیز نمی‌تواند درست باشد؛ چون تعداد روایات متواتر بسیار اندک است و با این کار جز معدودی از روایات، چیزی باقی نمی‌ماند. قرآنیان به این شرط خود هم نتوانسته‌اند پایبند باشند و تعداد زیادی از روایات غیر متواتر را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند.

منابع

قرآن کریم.

تقوی، سید صادق. (۱۳۲۶ش). یک روش جدید و علمی برای از بین بردن کلیه اختلافات جزئی مسلمانان. تهران: بی‌نا.

جعفریان، رسول. (۱۳۹۱ش). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران. تهران: خانه کتاب.

_____ (۱۳۸۲ ش). سید اسدالله خرقانی روحانی نوگرایی روزگار مشروطه و رضاشاه. تهران: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

خرقانی، سید اسدالله. (بی‌تا). محوالموهوم و صحوالمعلوم. بی‌جا: غلامحسین نورمحمدی خمسه-پور.

خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷ش). دانشنامه قرآن پژوهی. تهران: دوستان ناهید. چ اول.

موضوعات بسیار کمی را پوشش می‌دهد، ناچار از روایات غیر متواتر بهره برده‌اند. علاوه بر این، تعداد روایاتی که با تعبیر متواتر از سوی ایشان نقل شده، انگشت‌شمار و سایر روایات بسیار زیاد است. از جمله برقی در تفسیرش، تنها چند روایت را با تعبیر متواتر نقل کرده که عبارت‌اند از: روایات عرضه (برقی قمی، بی تا ت: ۵/۱ و ۴)، روایت تقلین (همان: ۹)، اخبار متواتره در ذم تقلید (همان: ۴۹ و ۴۸) و روایت «لانی بعدی و انا آخر النبیین» (همان: ۴۱۹/۲)؛ به عبارت دیگر برقی در کتاب تفسیر خود، تنها در مورد چهار موضوع، ادعای تواتر کرده؛ در حالی که کتابش سرشار است از روایاتی که بدون وصف تواتر ذکر شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

۱- منحصر کردن نیاز قرآن به سنت در بخش احکام و مجملات و بی‌نیاز دانستن قرآن از سنت در بخش اعتقادات، دیدگاه درستی به نظر نمی‌رسد و قرآنیان هم نتوانسته‌اند به این دیدگاه خود عمل کنند.

۲- قرآنیون ضمن اینکه قرآن را در بخش اعتقادات کافی و بی‌نیاز از سنت می‌دانند، در تفسیر آیات اعتقادی از سنت بهره گرفته‌اند که این روش می‌تواند نشانگر خطای دیدگاه آنان در این زمینه باشد.

۳- یکی از شرایطی که قرآنیان برای پذیرش سنت قرار داده‌اند، موافقت آن با قرآن و عقل است که گرچه شرط درست و به‌جایی است، اما خود قرآنیان گاهی به این شرط عمل نکرده و روایاتی را که با مبانی خودشان با قرآن و عقل سازگار نیست، پذیرفته و نقل کرده‌اند.

۴- شرط مورد اتفاق بودن روایت برای پذیرش آن نیز نمی‌تواند شرط درستی تلقی شود؛ چون محدوده

- شحاته، عبدالله محمود. (۱۳۹۴ ق). *القرآن و التفسیر*. بی‌جا: هیئة المصریة العامة للكتاب.
- فرید تنکابنی، عبدالوهاب. (۱۳۵۶ش). *اسلام چنانکه بود*. چاپ حیدری.
- مجلس تفسیر تبریز. (۱۳۵۱ش). *زندگینامه علامه فقید مفسر شهیر قرآن مجید شادروان آقای حاج میرزا یوسف شعار*. تبریز: چاپ شفق.
- هدی‌جاسم، محمد ابو طبره. (۱۳۷۲ش). *المنهج الأثری فی تفسیر القرآن الکریم*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی. چ اول.
- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۹ق). *فرائد الاصول*. تحقیق لجنة تحقیق تراث الشیخ الاعظم. قم: مجمع الفكر الاسلامی. چ اول. (نرم افزار المعجم الفقهی).
- انصاری قرطبی، ابو عبدالله احمد بن محمد. (۱۴۰۵ق). *الجامع لاحکام القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. (نرم افزار المعجم الفقهی)
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ق). *صحیح بخاری*. بیروت: دار الفکر. (نرم افزار المعجم الفقهی).
- برقی قمی، سید ابوالفضل. (بی‌تا). *تابشی از قرآن*. (www.aqeedeh.com).
- _____ (۱۴۲۹ق/۱۳۸۷ش). *سوانح ایام در زندگانی خادم الاسلام علامه برقی*. تصحیح اسحاق دبیری. چ اول. (کتابخانه عقیده).
- _____ (۱۳۸۸ش/۱۴۳۱ق). *عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول*. تحریر دوم. (www.aqeedeh.com).
- _____ (بی‌تا). *قرآن برای همه*. (ق) (www.aqeedeh.com).
- حب‌الله، حیدر. (۲۰۰۷م). *نظریة السنة فی الفكر الإمامی الشیعی التکوین والصیوة*. بیروت: دارالانتشار العربی. (www.noorlib.com).
- حسینی طباطبایی، مصطفی. (بی‌تا ب). *بررسی روایات ساختگی در کتب حدیث نقد کتب حدیث*. (www.aqeedeh.com).
- _____ (بی‌تا). *راهی به سوی وحدت اسلامی*. (www.aqeedeh.com).
- حسینی ورجانی، محمدتقی. (بی‌تا). *خاطرات، بخش هفتم، وبلاگ قرآنیان به آدرس اینترنتی: varjani.blogfa.com/post-۴۵.aspx* (بی‌تا). *گفتگو با نگارنده*. فقیه حقانی، موسی، نقش وهابیت شیعه در تاریخ معاصر ایران (سخنرانی)، <http://www.ammarha.com/news>.
- حکمی‌زاده، علی‌اکبر. (۱۳۲۲ش). *اسرار هزارساله* همراه با شماره ۱۲ از نشریه پرچم. (www.aqeedeh.com).
- زرنگار، حنیف. (بی‌تا). *یادی از یار (شرح مختصری از زندگی استاد حیدر علی قلمداران)*. (www.aqeedeh.com).
- سایت عقیده. (بی‌تا). *مختصری از زندگینامه استاد سید مصطفی حسینی طباطبائی*.
- سنگلجی، شریعت. (۱۴۲۸ق/۱۳۸۶ش). *توحید عبادت*. چ سوم. (www.aqeedeh.com).
- _____ (بی‌تا). *کلید فهم قرآن*. بی‌جا: دانش. چ پنجم. (www.aqeedeh.com).
- _____ (۱۳۲۳ش). *محو الموهوم*. تابان. (www.aqeedeh.com).
- علامه مجلسی. (۱۴۰۴ق). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسة الوفاء. (نرم افزار جامع الاحادیث).
- شعار، یوسف. (بی‌تا). *تفسیر آیات مشکله*. تهران: مجلس تفسیر قرآن. چ سوم. (www.aqeedeh.com).
- فرید تنکابنی، عبدالوهاب. (بی‌تا). *اسلام و رجعت*. (www.aqeedeh.com).

واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد.
(۱۳۸۸ ق). *اسباب النزول*. قاهره: مؤسسة الحلبي. (نرم
افزار المعجم الفقهي)

مدرسی چهاردهی، مرتضی. (۱۳۵۲ش). *شریعت
سنگلجی*. نشریه ادبیات و زبان‌ها «وحید»، مرداد،
شماره ۱۱۶. (www.noormags.com).

مرسلوند، حسن. (۱۳۷۶ش). *زندگینامه رجال و
مشاهیر ایران*. تهران. (www.noorlib.com).

نرم‌افزار نویس یار قرآن با ترجمه انصاریان (مرکز
کامپیوتری نور).

http://a. wikipedia.org/wiki/علی‌اکبر حکمی‌زاده
www.noorlib.com
www.noormags.com.
http://www.ammarha.com/news
www.aqeedeh.com

قلمداران، حیدر علی. (بی‌تا: الف). *ارمغان آسمان
در بیان عوامل و علل ارتقاء و انحطاط مسلمانان*.
(www.aqeedeh.com).

_____ (بی‌تا: ب) *بحث عمیق پیرامون
مسأله خمس مأخوذ از کتاب و سنت*. (www.
aqeedeh.com).

کرمانی، ناظم الاسلام. (۱۳۸۴ش). *تاریخ بیداری
ایرانیان*. تهران: امیرکبیر. چ هفتم. (نرم‌افزار تاریخ
ایران اسلامی).

کلینی، ثقة الاسلام. (۱۳۶۵ش). *الکافی*. تهران:
دارالکتب الإسلامية. (نرم‌افزار جامع الاحادیث)

مسلم نیشابوری، محمد بن حجاج. (بی‌تا). *صحیح
مسلم*. بیروت: دار الفکر. (نرم‌افزار المعجم الفقهي).